

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر امین حطیط

برگردان از: حمید محوی

۱۱ اگست ۲۰۱۲

## سوریه : ایالات متحده و تروریسم بین المللی...

### کارت های جدید... همان جنگ !



گاهی اوقات کلمات ساده پیچیده ترین وضعیت ها را بیان می کند زیرا هیچ گونه جای بحثی باقی نمی گذارد : تمام جنگها کثیف هستند، ولی باید جنگ اعلام نشده علیه سوریه توسط ۱۳۳ کشور را که کمابیش مستقیماً به آن مرتبط می باشند، به عنوان کثیفترین جنگها تلقی کنیم. کثیفترین اما، جای شگفتی نیست زیرا طبیعتاً [پیشرفت] نیز چنین امری را حکم می کند!

در نتیجه باید دانست که مسؤولان واقعی بمباران شنیع رسانه ای کدامان هستند، علاوه بر این رهبران سیاسی نیز دیگر شهامت این را پیدا نمی کنند که برای تخریب هر چه بیشتر به بهانه «مسئولیت حفاظتی» پافشاری کنند، زیرا اینگونه به نظر می رسد که حتی قادر به تأمین حفاظت از شهروندان خودشان نیز نیستند که احتمالاً در آینده باید با تهدیداتی که در چشم انداز روی هم انباشت می شود مقابله کنند(۱)...

جنگ گروهی، و به اندازه ای کثیف و ننگین و غیر قابل اعتراف که مجبور بودند به اصطلاح گلهای سر سبد رسانه ها، روزنامه نگاران، روشنفکران، متخصصان و به اصطلاح دوستان... را بسیج کنند، نه تنها برای شست و شوی مغزی تمام آنهایی که می توانند از آنها چک سفید بگیرند و یا آنهایی که موضوع را به خودشان مربوط نمی دانند،

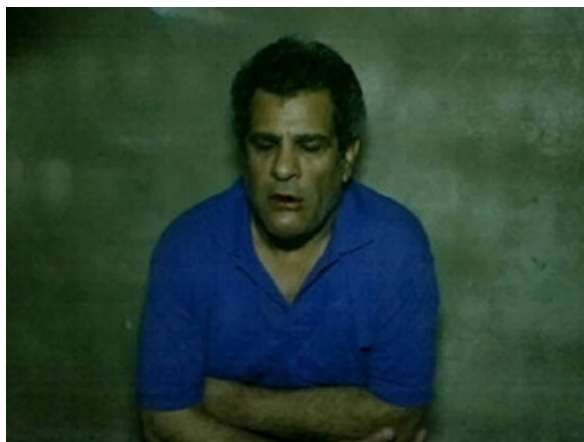
بلکه برای خاموش ساختن آنهایی که مورد خشونت قرار می دهند و شست و شوی مغزی در موردشان کاملاً کارائی لازم را نداشته است.

چگونه می توان از حمله جنایتکارانه با بمب علیه روزنامه نگاران سوری حرف زد و آن را محکوم نکرد؟ قتل روزنامه نگارانی که کاری به جز افشای دروغ پردازی های آنها انجام نداده اند و جانشان را نیز در این راه گذاشته اند. خواهند گفت که کارشان تبلیغات است! در این صورت، نمونه اخیر می تواند مروری بر چنین اتهاماتی باشد، نمونه حاضر گوینده تلویزیون سوریه محمد السعید است که او را در اواسط ماه جولای ربودند. با آگاهی به این امر که «گزارشگران بدون مرز» نیز این واقعه را گزارش کرده بودند(۲)!

۴ اگست، «النصره» یکی از شبکه های القاعده قتل روزنامه نگار سوری را به عهده گرفت و عکس او را نیز پیش از مرگش منتشر کرد... آیا چنین واقعه ای موجب شد که جامعه روزنامه نگاران فرانسوی، یا دیگران تحت تأثیر فاجعه قرار گرفته و به پاس و سوگ قتل یکی از همکارانشان، از دروغ بافی دست کشیدند؟

در اینجا می توانید این فرد مقتول را در محیط طبیعی و روزمره اش ببینید(۳). بی گمان سوریه کشور بی عیب و نقصی نیست، ولی کشوری است که در حال حاضر در آن شیوه زندگی چند فرهنگی، چند قومی که قرنها در همآهنگی در کنار یک دیگر زیسته اند، علی رغم دورانهایی که انواع و اقسام مهاجمان و جنگهای صلیبی اغتشاش به پا می کردند، ولی به تهدیدی برای طرح های پی در پی در تقسیم خاور میانه تبدیل شد، گویی نتایج توافقات سایکس-پیکو در سال ۱۹۱۶ به اندازه کافی ویرانی و بدبختی به بار نیاورده بود، و می بایستی یک بار دیگر این کشور را به خاک و خون می کشیدند.

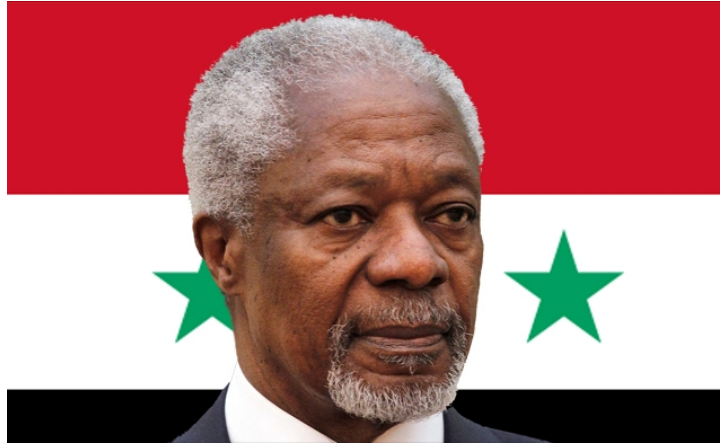
استعمار آشکار دیگر برای جوامع متمدن قابل پذیرش نیست. برای آنهایی که هنوز به چنین سیاستی دلبستگی دارند، راهکار استعمار بزرگ مانده باقی مانده است... بزرگ کرده و ملبس به رسانه های جوامع متمدن(۴)! در این جا جنرال حطیط برای ما توضیح می دهد که علی رغم تمام هیاهوهای ارتش رسانه ای و شایعات، به زودی نزدیک یک سال و نیم است که سوریه به دفاع برخاسته و مقاومت می کند...



تصویر محمد السعید پیش از به قتل رسیدن او

گوینده تلویزیون سوریه محمد السعید در اواسط ماه ژوئیه ۲۰۱۲ ربوده و توسط ربایندگان به قتل می رسد. این قتل توسط القاعده هبه عهده گرفته شده است.

le 4 août 2012. ([InfoSyrie.fr](http://InfoSyrie.fr))



کوفی عنان

برای ایالات متحده دو روز بیشتر طول نکشید تا کارت های تازه ای را در آنچه که «بحران سوریه» می نامد به بازی بگیرد : ابتداء استعفای کوفی عنان، سپس کارت قطعنامه در گردهمایی سازمان ملل متحد بر اساس طرحی که برای سعودی ها دیکته کرد(۵)، به این دو مورد، باید تصمیم اوایما برای مسلح کردن به اصطلاح مخالفان رژیم را نیز اضافه کنیم... (۶). برخی منتقدان می توانند رابطه ای بین این سه مورد نبینند، ولی ما فکر می کنیم که این کارت ها به یک بازی تعلق دارد و به ضروریات یگانه ای پاسخ می گوید و اهداف یگانه ای را نیز پی گیری می کند. برای اثبات این نظریه در آغاز، باید آن چه را که پیش از این نیز مطرح کردیم یادآور شویم، این مورد مربوط است به تبنای نزدیک کوفی عنان با دولت امریکا، در طول مأموریتش به عنوان دبیر اول سازمان ملل متحد و بعد از این دوره. من خودم شخصا در سال ۲۰۰۰ شاهد این رابطه تنگاتنگ بودم [اسرائیل پس از ۲۲ سال اشغال از لبنان خارج می شد... آقای کوفی عنان پیشنهاد کرد که واپس نشینی اسرائیل را تحت نظارت گرفته و تأیید کند...] و من می دیدم که کوفی عنان تا چه اندازه از فرامین مشخص ایالات متحده تبعیت می کند، حتی وقتی که به بهای بی عدالتی تمام می شد.

در نتیجه وقتی که به عنوان نماینده سازمان ملل متحد در سوریه انتخاب شد، کاملاً روشن بود که به خواست آنها برگزیده شده است، مضافاً بر این که بان کی- مون دبیر اول فعلی در سازمان ملل متحد را باید یکی از فرمانبردارترین جانشینان او تلقی کنیم، و به همین علت او را به طریق اولی «کارمند و وابسته ایالات متحده» در سازمان ملل متحد می دانند. به همین علت است که ما می گوئیم که استعفای کوفی عنان، دست کم از همان آغاز به شکل جمعی طراحی شده بود، و یا این که به فرمان ایالات متحده انجام گرفته است، دقیقاً مشابه آخرین قطعنامه ای که در شورای عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و ضرورت ایجاب می کرد که سه میلیارد دلار سعودی و قطری برای کسب آرای اکثریت هزینه شود، هر چند ناچیز.

آنچه در اینجا بسیار بارز به نظر می رسد، این است که چنین تصمیماتی تنها یک هفته پس از عملیاتی که ارتش سوریه برای دفاع از ضربه مهلکی که ایالات متحده با نام کد «آتشفشان دمشق... زلزله در سوریه» تدارک دیده بود، اتخاذ گردید، طرحی که بسیج نیروها و امکانات عظیمی را در بر می گرفت و هدفش، به گفته آنان، به زانو در آوردن دمشق و حلب، و سپس تخریب سوریه و براندازی دولت حاکم بود!

ولی این طرح در دمشق با شکست روبه رو شد و ارتش سوریه موفق شد که تروریست ها را از ۹ محله ای که در اختیار گرفته بودند، طی مدت کوتاهی، پاکسازی کند، و سپس برای نبرد نهائی به سوی حلب حرکت کرد تا به این مشکل نیز در «بحران سوریه» رسیدگی کند...

سیر تحولی وقایع در صحنه موجب شد که خشونت رسانه ای عظیمی در سطح «بین المللی» در مقابل این موضوع ساده برپا کردند زیرا که مقامات سوریه تصمیم گرفته اند که حلب را از تروریستهای که برای گسترش تروریسم ایالات متحده آمده اند پاکسازی کند...

یعنی تصمیمی که ایالات متحده آن را برای موفقیت طرح حمله ای که برنامه ریزی کرده بود تهدید آمیز دانست، یعنی از وقتی که دریافتند که به اجراء گذاشتن آن با کارکرد تجهیزاتی که تلفات را به حداقل کاهش می دهد، تنها بستگی به زمان دارد. در نتیجه ایالات متحده به فوریت کارت های جدیدی را در نبرد رو کرد و بر این اساس بود که دیدیم کوفی عنان استعفا داد، قطعنامه شورای عمومی سازمان ملل متحد صادر شد، و سپس رئیس جمهور اوباما پشتیبانی اش را از تروریستها اعلام کرد و اجرای این امر را نیز به سازمان سیا واگذار نمود!

نکته ای که باید ما را متوجه اهداف این کارت های جدید ایالات متحده سازد، با آگاهی به استعفای کوفی عنان که احتمالاً صوری به نظر می رسد، زیرا برای انتخاب فرد دیگری مشکلی وجود ندارد و قطعنامه به تصویب رسیده از طریق رأی شورای عمومی سازمان ملل متحد نیز ارزش حقوقی اجباری ندارد، مضافاً بر این که توسط گروه کشورهای طرفدار ایالات متحده علیه گروه دیگری که سیاست امریکا را قبول ندارند و نفی می کنند تأیید شده و در نتیجه شکافی در جامعه بین المللی روی موضوع بحران سوریه به وجود آورده است، در واقع چیزی در داده های این معادله تغییر نکرده، به جز تصمیم ایالات متحده برای مسلح ساختن تروریستها!

به عبارت دیگر، موضوع تازه ای نیست زیرا که ایالات متحده است که به خدمتکارانش مثل قطر، عربستان سعودی و ترکیه دستور می دهد، و تا اینجا تأمین مالی و تمام تجهیزات نظامی خواست همین ارباب بوده است. این موضوعی است که از هیچ دیدبانی پنهان نبوده و در نتیجه این سه کارت تازه نیز اصل و اساس مسأله را تغییر نخواهد داد.

با این وجود نکته حائز اهمیت این است که بدانیم انتظارات ایالات متحده از وارد کردن این سه کارت تازه، کدام است :

۱. فشار آوردن روی مقامات سوری برای اجتناب از وارد شدن به نبرد و پاکسازی حلب، و ایجاد یک شانس تازه برای تروریستها تا شکستشان را در دمشق جبران کنند، و به ویژه تقویت موضع گیری آنها به این امید که بنغازی جدیدی در سوریه به وجود بیاورند، شهر حلب از دیدگاه آنها مرکز اصلی نبردی است که نباید آن را باخت، با آگاهی به این امر که مداخله نظامی صریح و مستقیم برای پشتیبانی تروریستها همچنان ناممکن است (موردی که در بنغازی برایشان ممکن بود). سه کارت جدید می توانست کارگر واقع گردد ولی عمل نکرد...

۲. مسؤل جلوه دادن مقامات سوری در شکست مأموریت کوفی عنان، فشار آوردن به روسیه و چین به هدف تغییر رفتارشان در شورای امنیت، و در نتیجه تحت قیومیت قراردادادن سوریه بر اساس بخش ۷ منشور سازمان ملل متحد. گفتن آن آقای کوفی عنان، پس از استعفایش، وقتی در مورد روند واگذاری توضیح می داد... موجب شگفتی ما نشد. روندی که او از آن حرف می زند مرتبط به طرح های ایالات متحده پس از کنفرانس ژنو بود که روی برکناری رئیس جمهور بشار الاسد پافشاری می کرد، یعنی موضوعی که همان روز وزیر امور خارجه روسیه مخالفت کشورش را اعلام کرد، و شکاف جامعه بین الملل روی این موضوع کاملاً آشکار است.

۳. ترمیم شکست روحی تروریست ها، پس از فروپاشی صفوف آنها، به طوری که یکی از رؤسای این «ارتش آزاد تروریستی ایالات متحده» اعلام کرد که از شهرها خارج خواهند شد زیرا قادر به مقابله و ادامه نبرد نیستند. و این پیغامی بود برای آنهایی که خواهان حفظ تروریستها هستند، با توجه به این امر که از این پس راه حل صلح آمیز برای بحران سوریه با طرح ایالات متحده ناسازگار است، و تنها راه برای خارج شدن از بن بست، تجاوزات و خشونت پی در پی نظامی خواهد بود که استخدام مزدوران تازه و به کار بستن امکانات حد اکثر را برای تداوم جنگ ضروری خواهد ساخت.

۴. تشویق گروه به اصطلاح «دوستان سوریه» و «مخالفان سوری که در رقابت با یکدیگر هستند» به اتحاد، برای تقویت نیروهای مهاجم، به ویژه پس از منازعاتی که پیرامون تقسیم پول و قدرت پیش آمد. این تحلیل در وضعیتی مطرح می گردد که به هر دیدبان و خواننده ای اجازه می دهد که حقیقت را در مورد ایالات متحده و «محور خشونت علیه سوریه» که نزدیک به یک سال و نیم در پی کتمان و پنهان سازی آن هستند، آشکار سازد:

۱. باور آنها چنین است که سوریه هنوز قوی و استوار با تکیه به مردم و ارتش ملی ایستاده است، با وجود تمام خشونت ها و حملات، اهداف تعیین شده آنها همچنان دسترسی ناپذیر باقی مانده است.

۲. استحکام موضع گیری جبهه منطقه نی، بین المللی، و ستراتیژیک جبهه به روشنی در مقابل تجاوزات ایالات متحده صف آرائی کرده، با وجود تمام بهانه ها و تحت هر شرایطی.

۳. شکست و تأثیرات معکوس بازار فریب که از به اصطلاح مأموریت صلح انتظار داشتند – مرگش را هنگام تولد اعلام کرده بودند – مأموریت کوفی عنان که استعفاى او آنها را به شورای عمومی سازمان ملل متحد کشاند تا به تصمیم ایالات متحده برای مسلح کردن مخالفان سوری بینجامد، ایالات متحده ای که هرگز خواهان صلح نبود، یعنی موضوعی که نشان می دهد که کوفی عنان چیزی نبود به جز «اسب تروا» که نتوانست سوری ها را بفریبد، و قادر نبود متحدان سوریه را برای صف آرائی در کنار ایالات متحده متقاعد سازد: تا رئیس جمهور بشار الاسد را سرنگون کنند و سپس سوریه را به توبره بکشند. در نتیجه آقای کوفی عنان هنگام استعفایش، از طریق شورای عمومی سازمان ملل متحد، همچنان تلاش کرد تا مسؤلیت غرب را در شکست مأموریتش پنهان سازد.

از سوی دیگر، همین کارت هائی که در جنگ علیه سوریه به بازی گرفته شد به سوریه و هم پیمانانش اجازه داد که از آنها به شکل چشم گیری بهره برداری کنند:

۱. آشکار ساختن تبنای و فرمانبرداری ننگ آور عربستان سعودی در رابطه با اشغال دو جزیره اش توسط اسرائیل از سال ۱۹۶۷ بی آن که هیچ تلاشی برای آزاد سازی این دو جزیره انجام داده باشد. تنها مشغولیت عربستان سعودی به مداخله نظامی بیگانگان و تخریب سوریه منحصر بوده است. این مطالب را نماینده دائمی سوریه در سازمان ملل متحد، آقای بشار الجعفری به روشنی افشاء کرد.

۲. آشکار ساختن ایالات متحده به عنوان پدرخوانده تروریسم بین المللی. زیرا در مقابل تمام جهان، ایالات متحده پس از تأیید مسؤلیت سازمان القاعده در اعمال خرابکارانه در سوریه، به شکل رسمی اعلام کرد که می خواهد – به تأیید رئیس جمهور اوباما – آنها را مسلح سازد. چنین امری به روشنی نشان می دهد که ایالات متحده و القاعده در نبرد مشترکی شرکت داشته و دارند.

۳. کارت های امریکائی موجب شد که حقانیت مبارزه کشور سوریه علیه تروریسم مسلح آشکار گردد، و تمام توطئه ها و دروغ پردازی ها و اتهامات گذشته و آینده را با شکست مواجه سازد.

پی نوشت :

[1] Troisième Guerre Mondiale. C'est pour bientôt. La France et le Canada avalés par la folie guerrière des États-Unis et d'Israël ?  
<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=32232>

(۱) سومین جنگ جهانی. به زودی. آیا فرانسه و کانادا در جنون جنگ طلبانه ایالات متحده و اسرائیل بلعیده شده اند؟

[2] 24.07.2012 - Enlèvement du présentateur de télévision Mohamed Al-Saeed

<http://fr.rsf.org/syrie-la-liste-des-citoyens-journalistes-07-07-2012,42708.html>

[3] Émission de Mohamed al-Saeed le 25 Décembre 2011/ TV publique syrienne, soir de Noël.

<http://www.youtube.com/watch?v=W5mVRwpJVg4>

یک شیخ سنی مذهب، دو کشیش و روزنامه نگار تلویزیون مدنی محمد السعید، سوره مریم را می خوانند. برای اتحاد در اعتقاد که مبنی بر آن حضرت مریم مادر مسیح است، و حضرت مریم مادر خدا. حضرت مریم مادر همه!

...

[4] Towards A "Soft Invasion"? The Launching of a "Humanitarian War" against Syria

<http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=32170>

[5] Assemblée générale des Nations Unies - Soixante-sixième session

<http://www.un.org/News/fr-press/docs/2012/AG11266.doc.htm>

[6] Syrie : Obama a signé une directive secrète de soutien aux rebelles, selon CNN

[http://www.lemonde.fr/proche-orient/article/2012/08/02/syrie-obama-a-signe-une-directive-secrete-de-soutien-aux-rebelles-selon-cnn\\_1741289\\_3218.html](http://www.lemonde.fr/proche-orient/article/2012/08/02/syrie-obama-a-signe-une-directive-secrete-de-soutien-aux-rebelles-selon-cnn_1741289_3218.html)

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۰ اگست ۲۰۱۲

Syrie : États-Unis et terrorisme international... nouvelles cartes... même combat !

par Docteur Amin Hoteit

06/08/2012

, Le 7 aout 2012 [Mondialisation.ca](http://www.mondialisation.ca)

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=32249>

Article original : Al-tayyar

الاوراق الاميركية الجديدة ضد سوريا : مفضوحة و ساقطة ايضاً

<http://www.tayyar.org/Tayyar/News/PoliticalNews/ar-LB/amine-heteit-hh-9125.htm>

(دکتر امین حطیط لبنانی، تحلیل گر سیاسی، متخصص ستراتژی نظامی و ژنرال بریگاد است که هم اکنون در  
بازنشستگی به سر می برد)